خبرها

دیدار شورای هماهنگی جبهه اصلاحات با سیدمحمد خاتمی

ایلنا: شورای هماهنگی جبهه اصلاحات با سیدمحمد خاتمی دیدار کرد. در دیدار خاتمی با شورای هماهنگی جبهه اصلاحات، ضمن بررسی وضعیت داخلی و بین‌المللی بر لزوم حضور فعالانه در صحنه تاکید شد. همچنین در این دیدار اتحاد و وفاق میان همه نیروهای وفادار به امام و انقلاب و معتقد و وفادار به اصلاحات مورد تایید قرار گفت و بر ضرورت حضور فعال در انتخابات مختلف پیش رو تاکید شد. براساس این گزارش، در این جلسه اظهار امیدواری شد که دست اندرکاران امر فضا و بستر این حضور فعال را فراهم آورند و هرگونه محدودنگری به خصوص از سوی دستگاه‌های مسئول برگزاری انتخابات را مخل برگزاری انتخابات پرشور و مانع حضور فعال و همه علاقه‌مندان به اسلام و ایران و عظمت کشور و مردم دانستند. در این جلسه بر دفاع از اصول و آرمان‌های اصلاحات وفادار به انقلاب نیز تاکید شد.

منشور جبهه دموکراسی‌خواهی نهایی شد

آفتاب: جلال جلالی‌زاده عضو شورای مرکزی جبهه مشارکت از «نهایی شدن پیش‌نویس منشور جبهه دموکراسی و حقوق بشر در جلسه هفته گذشته این جبهه» خبر داد و گفت: «متن این پیش‌نویس نهایی شده است و نمایندگان احزاب و گروه‌های عضو موافقت خود را با این پیش‌نویس اعلام داشته‌اند و نکته‌ای که قطعی است این است که دیگر تغییری در این منشور به وجود نخواهد آمد.» وی درباره «تکلیف موارد اختلافی از قبیل انتخاباتی بودن یا نبودن این جبهه» گفت: «قرار شده که انتخابات به عنوان مقوله‌ای مهم در بخش جنبی این منشور گنجانده شود.»

تابلویی جدید برای راست

ایلنا: حسن غفوری‌فرد گفت که جبهه پیروان خط امام و رهبری در انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا با لیست واحد وارد عرصه رقابت خواهند شد. وی با بیان اینکه جبهه پیروان خط امام و رهبری ستون شورای هماهنگی نیروهای انقلاب بود، گفت: شورای هماهنگی از تشکل‌های عضو این جبهه و برخی از شخصیت‌های سیاسی اصولگرا تشکیل شده بود که تنها در زمان انتخابات فعالیت می‌کرد. وی افزود: در صورت عدم ورود شورای هماهنگی نیروهای انقلاب به عرصه انتخابات، جبهه پیروان خط امام و رهبری با تابلوی جدید وارد شده و لیست مشترکی را ارائه خواهد کرد. غفوری‌فرد دستور کار فعلی جبهه پیروان خط امام و رهبری را برنامه‌ریزی برای حضور در انتخابات شوراها عنوان کرد و گفت: ما به دنبال ایجاد فضای پرنشاط در انتخابات شوراها هستیم و سعی داریم با تمام اصولگرایان به لیست مشترک دست یابیم.

فمینیسم دینی

گروه سیاسی: ناهید توسلی فردا در سلسله جلسات «جنبش مسلمانان مبارز» در خصوص «فمینیسم دینی» سخن خواهد گفت. این برنامه طبق روال همیشه ساعت ۹ و ۳۰ دقیقه صبح جمعه در منزل حبیب‌الله پیمان برگزار می‌شود. پیمان نیز در این جلسه بحث گذشته خود را پی خواهد گرفت.

مخالفت با درخواست وکلا

ایلنا: شیرین عبادی و عبدالفتاح سلطانی وکلای مدافع علی‌اکبر موسوی‌خوئینی صبح دیروز در شعبه ۱۴ بازپرسی دادسرای انقلاب حاضر و خواستار مطالعه پرونده، تبدیل قرار بازداشت و ملاقات با موکل خود شدند که بازپرس پرونده با درخواست‌های آنها مخالفت کرد. عبدالفتاح سلطانی وکیل دبیرکل سازمان ادوار تحکیم وحدت با اعلام این خبر گفت: طبق بند ۳ قانون حقوق شهروندی، متهم حق دارد در مرحله دادسرا با وکیل خود ملاقات کند و وکیل نیز این حق را دارد که از اتهامات موکل خود مطلع شود.

ارجاع پرونده به دیوان عدالت اداری

ایسنا: هوشنگ پوربابایی یکی از وکلای مدافع سه تن از دانشجویان دانشگاه لرستان خبر داد که دیروز پرونده شکایت سیامک نادعلی، آرش خاندل و محمدجواد دردکشان از دانشگاه لرستان به شعبه اول دیوان عدالت اداری ارجاع شد. وی با اعلام این خبر گفت: موکلانم چهارم دی‌ماه سال ۸۴ درخصوص برگزاری انتخابات انجمن اسلامی دانشگاه لرستان به اتهام تجمع غیرقانونی و اخلال در نظم عمومی به کمیته انضباطی دانشگاه احضار شدند. کمیته بدوی این دانشجویان را به منع موقت از تحصیل به مدت دو ترم محکوم کرد. به‌رغم اعتراض موکلانم رای صادره از سوی کمیته تجدیدنظر عیناً تایید شد. اما این حکم قبل از قطعیت، اجرا و اعمال شده و حتی دانشجویان اجازه حضور در امتحانات ترم پاییز سال تحصیلی ۸۵ - ۸۴ را نداشتند و نمرات تمامی دروس امتحانی به بهانه عدم شرکت در جلسه امتحانات صفر رد شده است. وی گفت: اینجانب به همراه دیگر وکلای این پرونده دادخواستی مبنی بر شکایت از دانشگاه لرستان را به دیوان عدالت اداری ارائه کردیم و حضور مجدد، ثبت‌نام دانشجویان و احقاق حقوق آنها را خواستار شدیم.

بازگشت ناگزیر به خط امام

آفتاب: علیرضا رجایی از فعالان ملی - مذهبی در پاسخ به این پرسش که «آیا تاکید برخی احزاب اصلاح‌طلب بر خط امام نشانه‌ای از بازگشت آنها به جامعه مذهبی است؟» اظهار داشت: «هر جریان سیاسی ناگزیر است بر روی خطوط هویتی خودش حرکت بکند و زمانی که این خطوط مورد مناقشه جدی قرار بگیرند احتمال انشعاب یا انحلال این جریان‌ها هم وجود دارد.» وی با بیان این مطلب که «خاستگاه غالب اکثر اصلاح‌طلبان، اسلام سیاسی خط امامی است» افزود: «یکی از نقدهای جناح راست به اصلاح‌طلبان نیز همین فاصله گرفتن آنها از خاستگاه خود بود.»

تغییر آئین‌نامه خبرگان

ایلنا: یدالله اسلامی دبیرکل مجمع نمایندگان ادوار مجلس با بیان اینکه تشکل متبوع وی در انتخابات شوراها و مجلس خبرگان رویکردهای متفاوتی را اتخاذ خواهد کرد، گفت: به هر میزان که انتخابات آزادتر و مردمی‌تر بوده و شانس گروه‌های مختلف به لحاظ انتخاب شدن و انتخاب کردن گسترده باشد، تصمیم برای حضور در انتخابات آسان‌تر خواهد بود و به هر میزان که در این زمینه محدودنگری شود، رویکردها تغییر خواهد کرد. وی با تصریح بر اینکه در صورت تغییر آئین‌نامه خبرگان و فراهم شدن زمینه برای حضور غیر روحانیون در مجلس خبرگان، شاهد حضور گسترده مردم در این انتخابات خواهیم بود، وی خاطرنشان کرد: امروز عده‌ای با استفاده از ابزارهایی که در اختیار دارند سعی می‌کنند با نگاه‌های تنگ‌نظرانه راه را برای دیگران سد کنند.

زمینه‌ها و موانع تحزب در ایران

جواد اطاعت*

تشکیل خانه احزاب از تلاش‌های متاخر در ایران برای رشد تحزب بوده است. عکس: ایسنا

از نظر سابقه تاریخی، پیدایش حزب به عنوان راهکاری برای مشارکت نهادمند به دوره جدید بازمی‌گردد. در دنیای قدیم یا مشارکت سیاسی وجود نداشت و یا اینکه همانند دولت‌شهرهای آتن، کسانی که از حق رای برخوردار بودند، مستقیماً در مسائل حکومت مداخله می‌کردند. با ورود به دنیای مدرن و عدم امکان دموکراسی مستقیم به لحاظ فنی و ابزاری، دموکراسی نمایندگی، جایگزین دموکراسی مستقیم و به قول دو ورژه حکومت نخبگان منتخب اکثریت مردم بر مردم، جایگزین حکومت مردم بر مردم شد. از این زمان احزاب و تشکل‌های سیاسی نیز با ورود دموکراسی برای شکل‌دهی به افکار عمومی و انتخاب افراد مورد نظر پا به عرصه حیات گذاشتند. به قول توکویل احزاب سیاسی نیز به مثابه شرهای لاینفک نظام دموکراسی و یا به قول ماکس وبر به عنوان فرزندان دموکراسی بروز و ظهور یافتند. از طرفی اگر موضوع مطالعه علم سیاست را دولت قلمداد کنیم و موضوع مطالعه جامعه‌شناسی را جامعه بدانیم، حوزه مطالعاتی که بین دولت و جامعه ارتباط و اتصال برقرار می‌کند و واسطه عقد بین حاکمان و مردم است احزاب و تشکل‌های سیاسی هستند که در حوزه جامعه‌شناسی سیاسی مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرند. از مباحث هگل فیلسوف سیاسی آلمانی که با طرح مثلث خدا، عیسی‌مسیح، مردم و همچنین دولت، جامعه مدنی و خانواده به تبیین سیاست و حکومت می‌پردازد نیز می‌توان استفاده کرد. همان‌گونه که عیسی‌مسیح واسطه بین خالق و مخلوق است، جامعه مدنی نیز واسطه بین دولت و خانواده به معنای کلان (می‌توانیم بخوانیم جامعه) است. اگر بخواهیم از اندیشه‌های فلاسفه اسلامی نیز استفاده کنیم باید به مباحث فارابی (افلاطون الهی) اشاره کنیم که با ارتباط و اتصال بین حکمت نظری و سیاست عملی و یا به تعبیری ارتباط و اتصال بین رئیس مدینه و آفریدگار نخست از طریق عقل فعال سعی در تبیین مدینه فاضله دارد و در واقع به عاملی ارتباطی توجه می‌کند، می‌توانیم استفاده کرده و بگوییم، ارتباط و اتصال بین حکومت و مردم نیز به واسطه‌ای نیازمند است که این ارتباط از طریق احزاب و تشکل‌های سیاسی صورت می‌پذیرد. از طرفی احزاب با تجمیع منافع، علایق و خواسته‌ها را به دولت منتقل می‌کنند و از طرف دیگر مانع از استبداد دولت بر توده‌ها می‌شوند، همان‌گونه که از استبداد اکثریت (دموکراسی ژاکوبنی) نیز در جامعه توده‌ای (mass society) جلوگیری به عمل می‌آورند. این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که به لحاظ تاریخی اندیشمندان کلاسیک نگاهشان معطوف به حوزه سیاست و حکومت بوده است و لیبرال‌های متوجه فرد و جامعه و جامعه‌شناسان سیاسی با توجه به دو حوزه سیاست و اجتماع، تلاش کرده‌اند روابط این دو را از طریق فعالیت و کنش و واکنش نهادهای حد واسط دولت و جامعه تبیین کنند.

■ الف - فلسفه وجودی احزاب سیاسی

با طرح مباحث مقدماتی و تاریخی در خصوص پیدایش احزاب که به آن اشاره شد، مهمترین کارویژه‌های احزاب سیاسی عبارتند از:

■ ۱ - تبدیل مشارکت توده‌ای به مشارکت نهادمند مدنی

مشارکت توده‌وار که از جامعه توده‌ای (mass society) صادر می‌شود به صورت بسیج سیاسی (Political mobolaztion) بروز و ظهور پیدا می‌کند. در جامعه توده‌وار بسیج سیاسی چه نفیاً یا اثباتاً به صورت موافقت و مخالفت با سیاست‌های حاکم جلوه‌گر می‌شود. در این وضعیت مشارکت فعالانه یا نهادمند صورت نمی‌پذیرد بلکه آنچه را شاهد هستیم مشارکت منفعلانه سلبی یا اثباتی است. این وضعیت را معمولاً در انقلاب‌ها شاهد هستیم که بسیج سیاسی برای مقابله با وضع موجود شکل می‌گیرد و خواهان وضع مطلوب است. رهبران انقلابی با استفاده از چنین وضعیت اجتماعی سعی می‌کنند اهداف انقلابی خود را از طریق توده‌ها تعقیب نمایند. چنانچه این بسیج سیاسی موفق به نفی نظام موجود شود، در وجه اثباتی و برای تحقق مشارکت نهادمند و فعالانه، لاجرم باید پروسه تبدیل مشارکت توده‌ای به مشارکت مدنی تعقیب شود تا از حالت سلبی به وضعیت اثباتی آن هم به صورت نهادمند به جریان افتد. این فرآیند تبدیلی از کارویژه‌های اصلی احزاب و تشکل‌های سیاسی است. در جامعه توده‌ای که اتمیزاسیون اجتماعی وجود دارد و افراد تبدیل به عنصر تنها شده‌اند، کاتالیزور رهبری می‌تواند با پیوند این اتم‌ها، همانند پیوندی که قطرات باران با یکدیگر پیدا می‌کنند، با تشکیل جویبارها و سیلاب‌ها بنیان‌های نظام سیاسی موجود را تخریب کند، همان‌گونه که سیلاب‌ها، منازل، مزارع و تاسیسات را تخریب و نابود می‌کنند. حال اگر با کمک احزاب و تشکل‌های سیاسی این پتانسیل اجتماعی در مسیر سازندگی و توسعه قرار گیرد به جای حالتی سلبی، حالتی اثباتی پیدا کرده و در جهت منافع کشور و نظام سیاسی به کار می‌رود. همان‌گونه که با سدسازی، سیلاب‌های خروشان کنترل و با تعبیه کانال‌های لازم به جای تخریب از آن می‌توان انرژی برق استحصال کرده و برای آبیاری مزارع و آشامیدن از آن استفاده کرد.

■ ۲ - شایسته‌گرایی و شایسته‌گزینی در مدیریت‌های سیاسی و اجرایی

از منظر ماکس وبر مشروعیت سیاسی به طرق سه‌گانه سنتی، کاریزماتیک و عقلی، قانونی (بوروکراتیک) بروز و ظهور پیدا می‌کند. در نظام‌های سیاسی سنتی که ممکن است به صورت پاتریمونیالیستی و یا فئودالی باشد، سنت قومی قبیله‌ای، اشرافی و وابستگی‌های فامیلی مبنای انتخاب مدیران قرار می‌گیرد. در نظام‌های کاریزماتیک که از رهبران فرهمندی برخوردارند، مرید و مرادی و ارادت مدیران مادون به مدیران مافوق، زمینه ارتقای آنان را فراهم کرده و به طور کلی اداره‌کنندگان جامعه در حلقه ارادت‌ورزان به رهبر کاریزما قرار دارند. این در حالی است که در نظام‌های بوروکراتیک، شایسته‌گزینی معیار اصلی است. اما سئوال اساسی این است که شایستگان چگونه تجربه امور اجرایی پیدا می‌کنند و چگونه شناخته می‌شوند تا در مسئولیت‌های مختلف و متناسب با توانایی‌ها از آنها استفاده شود؟ از آنجا که در نظام‌های مدرن شناخت شخصی نمی‌تواند پاسخگو باشد، وظیفه تربیت نخبگان و شناسایی آنها برعهده احزاب سیاسی است. احزاب در واقع دولت‌های در سایه‌اند و افراد حزبی متناسب با تخصص‌های خود در کمیته‌های مختلف حزبی فعال می‌شوند. این فعالیت منجر به کارآموزی و کارورزی آنها درون حزب شده و برای مدیریت‌های آینده پرورش می‌یابند و از طرفی رهبران حزبی به لیاقت‌ها و توانمندی‌های آنها شناخت حاصل می‌کنند. چنانچه حزب در رقابت‌های سیاسی به قدرت رسید، افراد حزبی کارآزموده و شناخته شده تصدی مسئولیت‌ها را برعهده خواهند گرفت. این وضعیت مشابه انتخاب بازیکنان برای تیم ملی است. برای مثال افراد علاقه‌مند به بازی فوتبال در زمین‌های مختلف به این ورزش مبادرت می‌ورزند. آنان از طرفی تجربه بازیگری را کسب کرده و از طرف دیگر لیاقت و توانایی‌های خود را به مربیان نشان می‌دهند تا در یک فرآیند ارتقا از تیم محله به تیم شهرستان، از تیم شهرستان به تیم استان، از باشگاه‌های کوچک به باشگاه‌های بزرگ و سپس آنان که توانایی و لیاقت کافی داشته باشند برای تیم ملی گزینش می‌شوند. بنابراین لازمه این انتخاب وجود بازیکنانی است که در باشگاه‌های مختلف فعال هستند تا در یک فرآیند رقابتی با دیگران، آنانی که توانمندتر و شایسته‌ترند گزینش شده و به تیم ملی راه یابند. در واقع احزاب سیاسی نیز نقش باشگاه‌های ورزشی برای تربیت نخبگان و شناسایی آنان ایفا می‌کنند و افراد حزبی در باشگاه‌های سیاسی در یک فرآیند رقابتی برای اداره مدیریت کشور آمادگی پیدا کرده و در صورت پیروزی حزب حاکم از تجربه و توان آنها در اداره و مدیریت کشور استفاده می‌شود.

■ ۳- نظارت

نظارت‌ها به دو دسته حقوقی و سیاسی قابل تقسیم‌اند. از نظر حقوقی، در جریان اداره و مدیریت کشور، سازوکارها و تمهیداتی پیش‌بینی شده است که براساس آن نهادهای ناظر همانند مجالس مقننه، از طریق تحقیق و تفحص، سئوال، تذکر، استیضاح و همچنین سازمان‌های بازرسی، نهادهایی همچون دیوان محاسبات و . . . وظیفه نظارتی را عهده‌دار می‌شوند. این نظارت‌ها عموماً مربوط به روندهای اجرایی است؛ اما معمولاً روندهای سیاستگزاری مورد غفلت قرار گرفته و لازم است، فرآیند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و سیاستگزاری نیز مورد نظارت، نقد و بررسی قرار گرفته تا از خطاها و اشتباهات احتمالی جلوگیری به عمل آید. چنین نظارتی بر عهده احزاب و تشکل‌های سیاسی رقیب حزب حاکم است. احزاب رقیب برای موفقیت در انتخابات آتی، عملکرد حزب حاکم را تحت نظارت قرار داده و خطاهای آن را از طریق ارگان‌های حزبی و سازوکارهای تبلیغاتی به جامعه منعکس می‌کنند. این موضوع ضمن اینکه مراقبت و دقت حزب حاکم را در پی می‌آورد، با طرح خطاهای احتمالی و ارائه راهکارهای بدیل توسط احزاب در سایه، فرآیند اداره و مدیریت نظام سیاسی را اصلاح کرده و خطاها و اشتباهات به حداقل کاهش می‌یابد.

■ ۴- تجمیع منافع و کارویژه وفاق و اجماع

به دلیل تنوع سلیقه‌ها، خواسته‌ها و مطالبات پراکنده عملاً امکان پاسخگویی به همه آنها توسط دولت اگر نگوییم غیرممکن، لااقل بسیار سخت است. احزاب سیاسی با جمع علایق متفرق، پراکنده و بعضاً متعارض و انتقال آنها به حاکمیت زمینه اجرایی آنها را فراهم می‌آورند. چنانچه بعضاً توده‌های مردم تقاضاهای غیرواقعی نیز داشته باشند، احزاب سیاسی نسبت به واقعی کردن مطالبات کمک خواهند کرد. البته با انحراف رفتار سیاسی بعضاً احزاب به تقاضاها نیز دامن زده و سبب افزایش انتظارات می‌شوند که این از مضرات نظام حزبی به شمار می‌رود.

■ ۵- ثبات و تداوم نظام سیاسی

انسان‌ها موجودی مدنی‌الطبع هستند و به قول ارسطو حیوانی سیاسی‌اند، لذا تمایل دارند در سرنوشت سیاسی، اجتماعی خویش مداخله و مشارکت کنند. چنانچه در نظام‌های سیاسی اجازه سازمان یافتن برای مشارکت در سرنوشت به آنان داده شود، از این طریق به بیان عقاید خویش مبادرت کرده و کنش سیاسی انجام می‌دهند. این مسئله از نظر روانی از تمرکز ایده‌های نهفته‌ای که ممکن است به صورت دفعی و با حالتی خشونت‌آمیز بروز کند، جلوگیری می‌کند. چنان‌که «دارند روف» از جامعه‌شناسان سیاسی بر این اعتقاد است که اگر گروه‌های اجتماعی اجازه سازمان یافتن و بیان عقایدشان را داشته باشند، امکان تعارضات خشونت‌آمیز کاهش پیدا می‌کند و در واقع می‌توان گفت مبارزه و رقابت سیاسی به صورت نهادمند، شکل تلطیف شده مبارزات خشونت‌آمیز است که از بی‌ثباتی نظام سیاسی جلوگیری به عمل می‌آورد. زمانی که امکان حاکمیت مسالمت‌آمیز وجود نداشته باشد و مردم از بیان عقاید خویش محروم باشند و وسایل و امکانات قانونی برای نیل به این کار را در اختیار نداشته باشند، رفتار و واکنش کسانی که می‌خواهند در قدرت سهیم شوند، شکلی خشونت‌بار به خود می‌گیرد و نظام سیاسی را به سوی بی‌ثباتی سوق می‌دهد. اما چنانچه به شیوه نهادمندی امکان مشارکت مردم و دستیابی به کسب قدرت از طریق انتخابات آزاد، عادلانه و قانونمند وجود داشته باشد، دلیلی برای مقابله با نظام سیاسی وجود نخواهد داشت، چرا که از طریق احزاب سیاسی و صندوق‌های رای امکان دستیابی به قدرت وجود دارد.

■ ۶ - تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری نهادمند و عقلایی

از دیگر کارهای ویژه احزاب سیاسی کمک به فرآیند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری عقلایی است. در هر نظام متکثر، از آنجا که تصمیمات سیاسی حاصل اجماع گروه‌های مختلف است، زوایای متفاوت تصمیم سیاسی نمایانده شده و نگرش‌های مختلف در آن ملحوظ می‌شود. این در حالی است که نظام‌های تک‌حزبی و وحدت‌گرایانه، تنوع اطلاعات سیاسی را در جامعه محدود می‌سازند و راه بازخورد (feed back) آن را سد می‌کنند و بدین ترتیب چشم صاحبان قدرت را برای مشاهده وضعیت پیچیده مسائلشان می‌بندند در چنین نظامی، کشف خطاها و تصحیح آنها بسیار دشوار می‌شود. در واقع سازمان‌های مختلف سیاسی به مثابه سلسله اعصاب، آسیب‌ها را به مرکز سیستم سیاسی انتقال می‌دهند و خواهان ارائه راه‌حل‌های مناسب می‌شوند و یا اینکه راهکارهای مناسب نیز پیشنهاد می‌کنند تا بدین طریق در موقعیت زمانی مناسب، مشکلات پاسخ‌های خود را یافته و مرتفع شوند.

خلاصه مقاله

۱- سازمان‌های مختلف سیاسی به مثابه سلسله اعصاب، آسیب‌ها را به مرکز سیستم سیاسی انتقال می‌دهند و خواهان ارائه راه‌حل‌های مناسب می‌شوند و یا اینکه راهکارهای مناسب نیز پیشنهاد می‌کنند.

۲- با ورود ایران به دنیای مدرن و وزیدن رایحه دموکراسی و حکومت قانون احزاب نیز به عنوان فرزندان دموکراسی بروز و ظهور یافتند، اما به علت فقدان فرهنگ سیاسی مناسب، ساخت قدرت و چندپارگی‌های اجتماعی، زمینه شکل‌گیری احزاب و تشکل‌های سیاسی فراهم نبود.

۳- شکاف‌های قومی، قبیله‌ای و منطقه‌ای از موانع تحقق احزاب سیاسی است. لازمه احزاب سیاسی ارتقای تقابل‌های منطقه‌ای، قومی و قبیله‌ای به رقابت‌های سیاسی و فکری است.

■ ب - سابقه شکل‌گیری احزاب سیاسی در ایران

همان‌گونه که اشاره شد، با ورود ایران به دنیای مدرن و وزیدن رایحه دموکراسی و حکومت قانون احزاب نیز به عنوان فرزندان دموکراسی بروز و ظهور یافتند، اما به علت فقدان فرهنگ سیاسی مناسب، ساخت قدرت و چندپارگی‌های اجتماعی، زمینه شکل‌گیری احزاب و تشکل‌های سیاسی فراهم نبود. قبل از نهضت مشروطه، هیچ‌گونه تشکل حزبی و سیاسی فعال وجود نداشت. خواسته‌ها و مطالبات مردمی از طریق قیام و شورش عمومی انعکاس می‌یافت. بعد از مشروطیت احزاب سیاسی سر برآوردند. در مجلس اول احزاب سیاسی به‌صورت رسمی وجود نداشت، اما سه جریان سیاسی معتدلین، آزادیخواهان و بی‌طرف‌ها خودنمایی می‌کردند و به دلیل بافت طبقاتی این مجلس مشاجرات صنفی بر گرایش‌های سیاسی غلبه داشت. در مجلس دوم جناح‌بندی‌های سیاسی آشکار شد درحالی که ۲۷ نفر از اصلاح‌طلبان فرقه دموکرات را تشکیل می‌دادند، ۵۳ نماینده محافظه‌کار نیز فرقه اعتدالیون را به‌وجود آوردند. از آن به بعد سایر احزاب همانند قارچ سربیرون آوردند. طالبوف در این مورد به دهخدا می‌نویسد: این تهران چگونه جانوری است که در مدت‌زمانی اندک بالغ بر صد حزب و انجمن و جمعیت سیاسی به دنیا آورده است، درحالی که در مهد مشروطه یعنی انگلستان تعداد احزاب از انگشتان دست تجاوز نمی‌کند. با این وصف به‌رغم حضور اسمی احزاب، به دلیل عدم آمادگی اجتماعی و فرهنگ حاکم بر نخبگان سیاسی احزاب نقش عملی چندانی نداشتند. در عین حال در مجلس دوم احزاب نقش پررنگ‌تری نسبت به سایر دوره‌ها داشتند. در این مجلس دو حزب نسبتاً بزرگ و دو حزب کوچک‌تر وجود داشت. احزاب اعتدالیون و دموکرات‌ها از جمله احزاب بزرگ و اتفاق و ترقی و ترقی‌خواهان از جمله احزاب کوچک‌تر بودند. حزب دموکرات سخنگوی طبقه روشنفکر بود و از دموکراسی و حاکمیت مردم دفاع کرده و در تدوین و تصویب قانون انتخابات مجلس نقش موثری ایفا می‌کرد. اعتدالیون که در واقع جایگزین میانه‌روهای مجلس اول بودند از اشرافیت زمین‌دار و بازاریان سنتی حمایت می‌کردند و به‌طور طبیعی دیدگاهی محافظه‌کارانه داشتند. اعتدالیون که ۱۳ روحانی، ۱۰ زمین‌دار، ۹ تاجر، ۱۰ کارمند و سه رئیس قبیله در جمع خود داشتند از تقویت سلطنت مشروطه، تشکیل مجلس سنا، حفظ مذهب و مالکیت خصوصی دفاع می‌کردند. در مقابل دموکرات‌ها که تعداد کمتری کرسی در اختیار داشتند از قوانین عرفی، آزادی بیان، مطبوعات، اجتماعات و برابری ادیان دفاع می‌کردند و خواهان جدایی مذهب از سیاست بودند. فعالیت احزاب تا حاکمیت دولت خودکامه پهلوی اول ادامه یافت؛ اما پس از آن با تنگ‌شدن فضای سیاسی، آزادی احزاب نیز به محاق رفت. در سال ۱۳۱۰ قانون منع فعالیت‌های اشتراکی تصویب شد و تا شهریور ۱۳۲۰ و سقوط رضاشاه احزاب واقعی در اداره نظام سیاسی جایگاهی نداشتند. مجدداً پس از سقوط رضاشاه و آزادی فضای سیاسی تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ احزاب مختلف و متعددی بروز و ظهور یافتند. مجدداً با بسته شدن فضای سیاسی در دولت بوروکراتیک اقتدارگرای پهلوی دوم احزاب از عرصه سیاست و حکومت حذف و احزاب دولت‌ساخته به‌جای احزاب واقعی نقش‌آفرین شدند. در این دوران بود که به دلیل عدم وجود احزاب مردمی، از دهه ۴۰ به بعد کنشگران سیاسی در قالب تشکیلات و انجمن‌های مخفی و زیرزمینی برای سقوط نظام سیاسی فعال شدند و نتیجه آن بی‌ثباتی سیاسی و سقوط رژیم پهلوی بود.

■ ج- موانع تحقق احزاب سیاسی در ایران

مهمترین عامل عدم شکل‌گیری و عدم تداوم فعالیت‌های سیاسی، نبود فضای سیاسی مناسب است. همان‌گونه که اشاره کردم حاکمیت تفکر انحصارگرایانه (Exclusivism) و اشتراک‌پذیری (Inclusivism) مانع از شکل‌گیری احزاب و تداوم آنها است. احزاب نیازمند تفکر کثرت‌گرا (Pluralism) هستند. بنابراین در نظام‌های انحصارطلب و توده‌گرا (Popolism) جایی برای تحقق حزب باقی نمی‌ماند. از دیگر موارد حائز اهمیت فرهنگ سیاسی نخبگان و آحاد جامعه است. روح مدارا، تساهل و تحمل سیاسی، انعطاف‌پذیری، جمع‌گرایی، آزادمنشی، جایگزینی تعقل و آگاهی به‌جای تعصب و ذهنی‌گرایی از مسائل مهم و پیش‌شرط‌های لازم هستند. در واقع دیواره سیاست دیواره‌ای انعطافی و اسنفجی دیدن است نه دیواره‌ای سخت و شکننده. شکاف‌های قومی، قبیله‌ای و منطقه‌ای نیز مانع از تحقق احزاب سیاسی است. لازمه احزاب سیاسی ارتقای تقابل‌های منطقه‌ای، قومی و قبیله‌ای به رقابت‌های سیاسی و فکری است. تمرکزگرایی اداری و سیاسی نیز از دیگر موانع تحقق احزاب است. یکی از پیش‌زمینه‌های لازم تمرکززدایی است. تمرکززدایی طولی و عرضی و واگذاری امور به مدیران منطقه‌ای و محلی و از طرف دیگر واگذاری امور به مردم می‌تواند زمینه و بستری برای گسترش دموکراسی فراهم آورد. ذهنیت منفی مردم و نخبگان نسبت به مقوله حزب، به‌ویژه اینکه برخی از احزاب سیاسی وابسته به قدرت‌های خارجی بوده‌اند و همین طور سوءاستفاده از حزب توسط رهبران حزبی و صرفاً استفاده ابزاری از آن برای کسب قدرت و رهایی حزب می‌تواند از دیگر موانع حزب تلقی شود. هزینه‌های حزبی نسبت به منافع آن در کشورهای توسعه‌نیافته را هم باید به مجموعه فوق افزود. و وارداتی بودن حزب و انجام کارویژه‌های حزبی توسط برخی نهادهای مدنی از جمله مطبوعات، دانشگاه‌ها، حوزه‌های علمیه، مساجد و تکایا و . . . نیز یک‌نوع عدم نیاز به فعالیت‌های حزبی را به‌وجود می‌آورد. مجموعه عوامل فوق باعث شده است نظام حزبی آن‌گونه که شاید و باید در ایران شکل نگرفته و کارویژه‌های خود را به انجام نرساند.

■ د- چگونگی تبیین جایگاه احزاب و تشکل‌های سیاسی

برای شناسایی و تبیین جایگاه احزاب و تشکل‌های سیاسی، شاخص‌های متفاوت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌تواند مدنظر قرار گیرد. برای مثال اگر دو متغیر عمده تاثیرگذار یعنی متغیرهای سیاسی و اقتصادی را مدنظر قرار دهیم، از نحوه تعامل این دو شاخص با یکدیگر چهار نوع گرایش و حزب سیاسی پدیدار خواهد شد. بدین معنی که اگر در حوزه سیاست دو جریان سیاسی اقتدارگرا و دموکراتیک و در حوزه اقتصاد نیز دو جریان چپ و راست را با هم تعامل دهیم، به ترتیب شاهد احزاب و گرایش‌های چهارگانه راست اقتدارگرا، چپ اقتدارگرا، لیبرال دموکراسی و سوسیال دموکراسی خواهیم بود. مثلاً جریانی که از نظر اقتصادی راست و از نظر سیاسی دموکراتیک باشد حزبی لیبرال دموکرات خواهد شد و جریانی که از نظر سیاسی دموکراتیک، اما از نظر اقتصادی به چپ گرایش داشته باشد، به وجود آورنده حزب سوسیال دموکراسی است.

■ هـ - احزاب در دوره فرامدرن

پیش‌بینی می‌شود در موج سوم دموکراسی، احزاب سیاسی در مسیر انحطاط قرار گیرند. ذهنیت منفی مردم نسبت به احزاب و تشکل‌های سیاسی و رهبران حزبی باعث شده است مردم به جای حضور و فعالیت در احزاب سیاسی به NGOها روی آورند؛ سازمان‌های داوطلبانه خیریه متعددی که وجود دارند و هر کس به فراخور سلیقه و علاقه‌ای که دارد، در یکی از این گروه‌ها فعال می‌شود. کسانی در حوزه بهداشت محله یا شهرستان، محیط‌زیست، فعالیت‌های ورزشی، اوقات فراغت دانش‌آموزان و دانشجویان، آموزش‌های بهداشتی، آموزش‌های عقیدتی و . . . فعال می‌شوند. تمایل و استقبال مردم به این گروه‌های جامعه مدنی باعث شده است که سیاستمداران و فعالان سیاسی و حزبی به این گروه‌ها توجه داشته باشند تا بتوانند آرای خود را از طریق پایگاه‌های اجتماعی این گروه‌ها کسب کنند، لذا به نظر می‌رسد در آینده، احزاب سیاسی تحت‌الشعاع سازمان‌های غیرحکومتی (NGO) قرار گیرند.

***متن سخنرانی در جمع دانشجویان دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران**

احزاب

مصباحی مقدم خبر داد:

اعضای مجمع روحانیون در فهرست جامعه روحانیت

آفتاب: «غلامرضا مصباحی‌مقدم» سخنگوی جامعه روحانیت مبارز درباره برنامه اصولگرایان برای انتخابات خبرگان گفت: «انشاءالله یک شورای هماهنگی تشکیل خواهد شد برای مقدمات برگزاری انتخابات و ایجاد احساس مسئولیت در میان مردم و دعوت آنها به انتخابات. در این شورای هماهنگی، جامعه روحانیت مبارز و جامعه مدرسین حوزه علمیه قم رابط خواهند بود تا ارتباط بین شورای هماهنگی و دو جامعه نیز به این وسیله برقرار شود. وی همچنین درباره احتمال نزدیکی جامعه روحانیت به مجمع روحانیون در این انتخابات گفت: «الان به این مسئله می‌اندیشیم که تعدادی از کاندیداهای خبرگان که در لیست روحانیت مبارز خواهند بود، از کسانی باشند که عضو مجمع روحانیون مبارز هستند و ما آنها را هم از نظر فضل و سوابق علمی و هم از نظر سابقه انقلابی مناسب برای مجلس خبرگان می‌دانیم و در لیست خودمان می‌گنجانیم. این امر، حکایت از آن می‌کند که دوست نداریم یک شکاف اساسی بین ما و دوستانمان در مجمع روحانیون مبارز باشد.»

■ جریان سوم در لیست ما نیست

وی همچنین درباره تشکیل جریان سوم از سوی مصباح‌یزدی گفت: با شناخت زیادی که از حضرت آیت‌الله مصباح‌یزدی داریم، ایشان در صدد راه‌اندازی یک جریان جدیدی نیستند و در گفت‌وگوهایی هم که با ایشان بوده، صراحتاً به این مسئله تاکید کردند و فرمودند: «من درصدد ایجاد شور و شوق حضور در انتخابات خبرگان بودم، هر جا سخنرانی کردم روی معیارها تکیه کردم و قصد اینکه یک جریان جداگانه راه بیندازم ندارم.» این برای ما روشن و مسلم است. البته می‌دانیم کسانی از علاقه‌مندان ایشان درصدد یک فعالیت مستقل و جداگانه هستند؛ ولی ربطی به شخص ایشان ندارد. وی افزود: «البته دوستداران آقای مصباح منحصر در جریان سوم نیستند. بخش عظیمی از دوستداران آقای مصباح خارج از این جریان هستند. تعدادی هم در جامعه روحانیت و جامعه مدرسین حوزه علمیه قم هستند.» مصباحی‌مقدم با رد حضور نیروهای جریان سوم در فهرست جامعه روحانیت گفت: «آقای مصباح حتماً در لیست ما هستند ولی اینطور نیست ما با یک جریان سوم که از آن جریان شناخت کافی نداریم، همکاری کنیم. الان هم نسبت به این جریان شناختی نداریم.» سخنگوی جامعه روحانیت درباره احتمال تشکیل ائتلاف میانه با محوریت جامعه روحانیت گفت: «آقای هاشمی از بنیانگذاران جامعه روحانیت مبارز هست